

بررسی موقوفات بانو تاشی خاتون بر حرم مطهر شاهچراغ^(ع)

مصطفی ندیم^۱

منیژه زارعی^۲

زهرا آتشی^۳

مریم خائف^۴

چکیده

وقف نهادی است که به واسطه‌ی امامان و امامزادگان عظیم‌الشان بسیار مورد توجه شیعیان قرار گرفته است. در شیراز بارگاه شاهچراغ^(ع) هم از جهت شخصیت احمد بن موسی^(ع) و هم از جهت اینکه جزو بناهای تاریخی و مذهبی ایرانیان است، اهمیت بسیاری دارد و چون نگینی درخشان باعث جذب قلوب بسیاری از مردم و بانی وقف‌های بی شماری در طول تاریخ شده است. این پژوهش، زندگی یکی از واقفان بزرگ این حرم، بانو تاشی خاتون، ملکه‌ای از خاندان اینجو را مورد مطالعه قرار داده است. این بانو موقوفات زیادی از جمله ساخت گنبدی عظیم و بارگاه شاهچراغ، ساخت مدرسه و زاویه‌ای بزرگ در مجاورت آستان، بنا کردن کتابخانه‌ای بزرگ و اهداء مجموعه‌ای نفیس به آن، دستور به پیریحیی جمالی صوفی برای خوشنویسی قرآن و سپس وقف آن و وقف روستای میمند بر حرم مطهر را از خود به یادگار گذاشته است.

واژگان کلیدی: شاهچراغ، تاشی خاتون، وقف، شیراز، خاندان اینجو

^۱ دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده‌ی علوم قرآن

^۳ (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه شیراز، atashiz@yahoo.com

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دانشگاه کرمان

مقدمه

شیراز از روزگاران قبل به دلیل وجود امامزادگان جلیل‌القدر به‌خصوص حضرت احمد بن موسی برادر امام رضا^(ع) مرکزی برای نشر و توسعه‌ی شیعیان بوده است. محبان به این آستان پربرکت به طرق گوناگون ارادت خود را به این ایشان ابراز کرده‌اند و یکی از این راه‌ها وقف اموال مختلف بر حرم مطهر شاه‌چراغ بوده است. پژوهش پیش رو درصدد بررسی زندگی و موقوفات بانو تاشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق اینجو است. در خصوص اهمیت این پژوهش می‌توان به شناخت تاریخ حرم مطهر، آشنایی با واقفان بنام آستان مقدس و مهم‌تر از آن ضرورت شناخت بانویی که این موقوفات را وقف کرده‌اند، اشاره کرد. در خصوص پیشینه‌ی این پژوهش باید گفت تاکنون تحقیقی مستقل در خصوص تمامی وقف‌های این بانو مشاهده نشده است. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

۱- شخصیت حضرت شاه‌چراغ^(ع)

حضرت سید امیر احمد بن موسی برادر علی‌الرضا ابن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن‌الحسین بن علی بن ابی‌طالب ملقب به «شاه‌چراغ» و «سید السادات الاعظم» هستند. مادر ایشان «ام احمد» نام دارند. دو دلیل بر فضیلت و کرامت این بانوی بزرگوار وجود دارد؛ یکی نام بردن از ایشان در وصیت امام کاظم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۹) و دوم امانت‌داری از ودایع امامت. (همان، ۳۰۸)

حضرت احمد بن موسی شخصیتی والا و دارای صفات برجسته بود. در وصف ایشان آمده است: احمد بن موسی مردی کریم و بزرگوار و پارسا بوده و حضرت موسی بن جعفر علیهم‌السلام او را دوست داشت و مقدم می‌داشت و مزرعه خود که به بسیره معروف بود را به او بخشید و گفته‌اند: احمد بن موسی رضی‌الله عنه در زمان خود هزار بنده آزاد کرد. (مفید: ۲۳۷) همچنین آمده است که به دلیل جلالت و وفور عبادت و نشر شرایع و ظهور کراماتی از این بزرگوار بعد از وفات پدرشان موسی بن جعفر مردم گمان کردند که امام بعدی هستند ولی ایشان به درب خانگی برادر خود علی بن موسی رفتند و اعلام کردند که خود، در بیعت ایشان هستند و ایشان امام بعد از پدرم هستند و طاعت ایشان واجب است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸)

۲- مدفن شاه‌چراغ و زمان کشف آن

از جهت پیدایش قبر حضرت احمد بن موسی^(ع) هرچند قول ثابت و مطمئنی در دست نیست و پیدایش قبر ایشان در دو دوره‌ی متفاوت دیالمه در زمان عضدالدوله دیلمی و نیز در زمان اتابکان در دوره‌ی اتابک ابی بکر بن سعد زنگی احتمال داده شده است اما بنا بر دلایل متقن قبر حضرت در زمان اتابکان و در

عصر امیر مقرب الدین مسعود بن بدر (بین سال‌های ۶۲۳-۶۵۸) که از وزیران اتابک ابی بکر بن سعد زنگی بوده است یافت شده است.

منابع قدیمی‌تر هم چون شیراز نامه (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۹۱)، شد الازار (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۸۹ و ۲۹۰)، بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸)، بر کشف مرقد حضرت در زمان امیر مقرب الدین تأکید دارند. امیر مقرب الدین ابوالمفاخر مسعود بن بدر، یکی از دو وزیر اتابک ابوبکر بن سعد زنگی و یکی از دو رکن دولت و وزیر دیگر امیر فخر الدین ابوبکر بن ابونصر حوائجی ممدوح سعدی است. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۸۹ و ۲۹۰)

در چگونگی و سبب کشف مشهد احمد بن موسی (علیه اسلام) آمده است که امیر مقرب الدین به دلیل گرایش زیادی که به عمران داشت، خواست عمارتی بنا و یا مرمت کند، هنگام حفر شالوده قبری آشکار شد و جسدی تمام اندام که همگی اعضای بدنش سالم بود، در آن قبر یافتند. روایت می‌کنند که قبر آن حضرت را چون یافتند و حضرت را دیدند درست که رنگ مبارک وی برنگشته و هیچ تغییر نیافته بود و کفن آن حضرت همچنان تازه بود و دردست وی انگشتی بود و بر خاتم شریف او نوشته بود (العزه الله احمد بن موسی) بدین‌وسیله حضرت را شناختند. (همان، ۳۳۵ و ۳۳۷)

۳- سیر تاریخی ساخت بارگاه شاهچراغ

یکی از ابنیه تاریخی که می‌توان پیشینه‌ی پرفراز و نشیبی در معماری برای آن یافت بارگاه پرنور و مقدس حضرت احمد بن موسی^(ع) معروف به شاهچراغ می‌باشد.

به طوری که از تواریخ استنباط می‌شود اولین گنبدی که بر روی حرم شاهچراغ^(ع) ساخته شد در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی به‌وسیله‌ی امیر مقرب الدین مسعود بن بدر الدین وزیر اتابک بوده است. (بهروزی، ۱۳۴۹: ۱۷۱) پس از امیر مقرب الدین مسعود بن بدر، اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی عمارت بلندتری به آنچه ساخته شده بود بنا کرد. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) از کارهای عمرانی که امیر مقرب الدین و اتابک ابوبکر سعد بن زنگی در آرامگاه حضرت احمد بن موسی^(ع) انجام داده‌اند امروزه هیچ‌گونه آثاری نیست. پس از ابوبکر بن سعد زنگی به نظر می‌رسد اولین شخصی که برای قبر حضرت گنبد و بارگاه بلند و رفیع که به‌نوبه‌ی خود شاهکار هنری محسوب می‌شد؛ ساخت، مادر شاه شیخ ابواسحاق ممدوح حافظ، ملکه تاشی خاتون بوده است.

در سفرنامه‌ی جهانگردان به شیراز، بارگاه حضرت احمد بن موسی (علیه اسلام) چه از جهت معماری و چه اهمیت فرهنگی و دینی آن دور از نظر نمانده و به توصیف جنبه‌های معماری و فرهنگی - مذهبی آن پرداخته شده است. ابن بطوطه که یکی از معروف‌ترین جهانگردان است؛ دو بار به شیراز سفر کرده است. وی در سفر دوم خویش در بیان مشاهد و مزارات شیراز ابتدا به مقبره‌ی احمد بن موسی^(ع) اشاره

می‌کند و بیان می‌دارد که این بقعه در نظر شیرازیان احترام تمام دارد و مردم جهت تبرک و توسل به زیارت ایشان می‌روند. (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۲۹)

۴- زندگی تاشی خاتون

۴-۱- نام و تبار تاشی خاتون

تاشی (تاش) که در برخی تذکرها به صورت طاش، طاشی نیز نوشته شده است و در کتاب شیراز نامه که صاحب آن معاصر تاشی خاتون بوده است نام او را به طور مشخص نیاورده و با عنوان «حضرت علیه بلقیس» از وی یاد می‌کند؛ اما بنا بر شواهد و اشاره‌ی دیگر تذکرها او همان تاش یا تاشی خاتون می‌باشد. در تذکره‌ی هزار مزار از ابن بانو با عنوان «ملکه‌ی معظمه و خاتون مفتحه خیره طیبه عابده مجتهده تاشی خاتون» نام می‌برد که نشان از عظمت او دارد. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) ایشان همسر محمود شاه و مادر شاه ابواسحاق اینجو ۷۴۴-۷۵۸ (ق) بود. (رجبی، ۱۳۷۴: ۵۱) در سال ۷۴۳ که فرزندش شیخ ابواسحاق وارد شیراز شد به همراه وی به این شهر وارد شد. پسرش شاه ابو اسحاق همان ممدوح حافظ است (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۱۹۲) که حافظ درباره‌ی وی گفته است

به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحق به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد

نخست پادشهی همچو او ولایت بخش که جان خویش بپرورد و داد عیش بداد

گفته می‌شود او تباری ترک داشت، آن چنان که ابن بطوطه چنین می‌گوید خاتون بر عادت زنان ترک معمولاً با روی باز بیرون می‌رفت (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۲۳) همچنین مؤلف کتاب شیراز در روزگار حافظ در پی‌نوشت کتاب خویش می‌نویسد تاش خاتون مادر شاه شیخ ابواسحاق و مخدوم شاه خان قتلغ، مادر شاه شجاع هر دو ترک بودند. (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۱۹۲)

۴-۲- اقدامات مذهبی تاشی خاتون

وجود ملکه نیکوکار و با ایمانی چون تاشی خاتون مادر شاه ابواسحق و اردات او به آل علی و حضرت احمد بن موسی علیه‌السلام (شاه چراغ) و بناهایی که بر این بقعه اضافه و وقف نمود، پیشرفت مذهب تشیع را در این قرن در شهر شیراز تأیید می‌نماید. (سامی، ۱۳۶۳: ۵۷۷ و ۵۷۸)

همت والای ابن بانو در برقراری جلسات قرائت قرآن و وعظ که به دنبال آن موجب ترویج مفاهیم دینی و اسلامی می‌باشد، ستودنی است. ابن بطوطه سیاح معروف که دو بار به شیراز آمده بود؛ مرتبه‌ی اول در سنه‌ی ۷۲۷ و مرتبه‌ی دوم در سنه‌ی ۷۴۸ در حیات همین خاتون و سلطنت پسرش شاه شیخ ابواسحاق بوده است؛ (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) در سفرنامه‌ی خویش به توصیف کاملی از برنامه‌های تاشی خاتون در

بقعه‌ی شاهچراغ می‌پردازد: «خاتون شب‌های دوشنبه را به زیارت این بقعه می‌آید در آن شب قضات و فقها و سادات شیراز نیز در آنجا می‌آیند. شیراز از جمله شهرهایی است که سید در آن بس زیاد است و من از اشخاص موثق شنیده‌ام که عده‌ی سادات شیراز - آن‌ها که مستمری دارند- از کوچک و بزرگ هزار و چهارصد و کسری است و نقیب آنان عضد الدین حسینی نام دارد. این جمعیت چون در بقعه گرد می‌آیند به ختم قرآن می‌پردازند، قاریان با آهنگ‌های خوش به قرائت مشغول می‌شوند و خوراک و میوه و حلوا داده می‌شود و پس از طعام واعظ بالایی منبر می‌رود و همه این تفصیلات در فاصله‌ی بین نماز عصر و نماز شام انجام می‌یابد. خاتون در غرفه‌ی مشبکی که مشرف بر مسجد است می‌نشیند و آخر سر هم بر در مقبره چون در سرای پادشاهان طبل و شیپور و بوق می‌نوازند. (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۲۹) همچنین؛ گفته شده است که نواختن نقاره در بقعه شاهچراغ اولین بار در زمان تاشی خاتون بوده است. (افسر، ۱۳۵۳: ۹۹)

۳-۴- حیات سیاسی تاشی خاتون

شایان بیان است که به‌طور کلی در دوره‌ی ایلخانان زنان نفوذ سیاسی داشتند و عضو مؤثر جامعه بوده، در فعالیت‌های خیریه، مذهبی و اجتماعی شرکت می‌کردند.

با توجه به نوشته‌های ابن بطوطه، می‌توان به نفوذ سیاسی تاشی خاتون در میان مردم پی برد. در این کتاب آمده است: شیخ حسین پسر چوپان امیرالامرا از جانب ابوسعید سلطان عراق با سپاهی بزرگ به شیراز آمد و پس از جمع‌آوری مالیات قصد کرد به عراق برگردد؛ او ابواسحق پسر محمدشاه اینجو را با دو برادرش رکن الدین و مسعود بک و والدهاش طاش خاتون گرفت. می‌خواست آن‌ها را هم به عراق برد تا در آنجا راجع به اموال محمدشاه^۱ مورد مطالبه و بازخواست قرار گیرند، این گروه چون به وسط بازار شیراز رسیدند طاش خاتون نقاب از چهره برداشت. خاتون بر عادت زنان ترک معمولاً با روی باز بیرون می‌رفت لیکن آن روز از خجالت نقاب بر چهره افکنده بود وی از شیرازیان استمداد کرد و گفت ای مردم شیراز من زن فلانم و نامم فلان است آیا شما می‌گذارید که مرا بدین‌سان از میان شما بیرون کنند. درودگری که پهلوان محمود نام داشت برخاست و گفت نه نمی‌گذاریم و ابداً راضی نخواهیم شد که او را از شیراز بیرون ببرند، مردم نیز آواز در آواز دادند و شورش درگرفت همه شیرازیان سلاح برداشتند و عده‌ی زیادی از سربازان را کشتند و مال‌های فراوان را گرفتند و خاتون را با پسرانش نجات دادند. امیر حسین با همراهان خود از شیراز گریخت و پیش سلطان ابوسعید رفت. (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۲۴-۲۲۳)

۴-۴- درگذشت و مزار تاشی خاتون

بنا بر روایات تاشی خاتون در ۷۵۰ ق درگذشت؛ اما وفات وی ممکن است در این تاریخ صورت نگرفته باشد چرا که برخی تاریخ ساخت آرامگاهی که جهت خود کنار قبر احمد بن موسی^(ع) ساخته بود را به سال

^۱ محمدشاه اینجو از جانب سلطان عراق حکومت شیراز را داشت و او مردی نیکخوی و مورد محبت مردم بود.

۷۵۰ ه. ق ذکر می‌کنند. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴، ۳۳۷) و بنا به وصیتش وی را در بقعه‌ای که در مجاور بقعه‌ی شاه‌چراغ^(ع) ساخته بود، به خاک سپردند. مقبره‌ی تاشی خاتون در دوران‌های بعدی ویران شد و اکنون اثری از ساختمان یا سنگ‌قبر وی در کناره‌ی آستانه‌ی شاه‌چراغ به چشم نمی‌خورد.

مهرآز در مورد مقبره‌ی تاشی خاتون می‌گوید که اینک در شاه‌چراغ اثری از سنگ‌قبر تاشی خاتون وجود ندارد؛ زیرا بعداً آنجا را صاف کرده و اعیان شیراز هر قسمتی را به قبرستان خانوادگی اختصاص داده بودند. خوشبختانه در اثر اقدامات انجمن آثار ملی آن روضه نیز از صورت قبرستان درآمده و دفن اموات را در آنجا ممنوع کرده‌اند. (مهرآز، ۱۳۴۸: ۴۲۵ و ۴۲۶)

۵- موقوفات تاشی خاتون

۴-۵- بارگاه و گنبد شاه‌چراغ

از مهم‌ترین اقدامات تاشی خاتون که بیشترین شهرت وی مرهون همین اقدام او می‌باشد، ساخت بارگاه و گنبدی رفیع و درخور توجه برای مرقد احمد بن موسی^(ع) است. این گنبد در سال ۷۵۰ هجری ساخته شد. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) بلندای آن به‌گونه‌ای چشم‌نواز است که مؤلف شیراز نامه در مقام اغراق‌گویی رفعت آن را با قمر عرش و سطح کرسی برابر و حتی بالاتر می‌داند. (زرکوب، ۱۳۱۰: ۱۹۵)

گفته شده گنبدی که تاشی خاتون بر روی بقعه‌ی احمد بن موسی ساخته بود ۷۲ ترک داشت که هر ترک و قطعه‌ی آن، ۹۰ سانتی‌متر عرض داشته است که در قرن هشتم (ه ق) یکی از شاهکارهای هنری و معماری به شمار می‌رفت. در داخل حرم نیز مقرنس‌کاری‌ها و آیینه‌کاری‌های ظریفی ساخته شده که فوق‌العاده نفیس است. (بهروزی، ۱۳۳۴: ۷۰)

گنبدی که تاشی خاتون بر سر مزار حضرت برآورد، به مرور زمان و بر اثر زلزله تخریب گشت و در اعصار مختلف توسط حاکمان و بزرگان وقت تعمیر و مرمت شد.

در منابع تاریخ محلی، از تعمیرها و کارهای عمرانی بین سال‌های ۷۵۰ تا ۹۱۲ ه. ق گزارشی ثبت نشده است. در سال ۹۱۲ ه. ق توسط شاه اسماعیل صفوی، تعمیرهایی در آرامگاه صورت گرفت. در زلزله‌ی سال ۹۹۷ ه. ق بخش‌هایی از آرامگاه ویران شد، سپس در سال ۱۱۴۱ ه. ق نیز به دستور نادرشاه افشار تعمیرهایی در آرامگاه انجام شد. مجدداً در زلزله‌ی سال‌های ۱۱۶۹ ه. ق در شیراز، بخشی از آرامگاه احمد بن موسی^(ع) ویران شد که تجدید عمارت و بازسازی گردید. در سال ۱۲۶۹ ه. ق که گنبد و آرامگاه فروریخت، بازسازی، تعمیر و مرمت شد. پس از بارها تعمیر و مرمت گنبد و بارگاه احمد بن موسی^(ع) سرانجام در سال ۱۳۳۷ ه. ش گنبد قدیمی آرامگاه برچیده شده، به‌جای آن، با آهن و مصالح ساختمانی جدید، گنبد سبک‌تر و مقاوم‌تری به همان سبک ساخته شد. (بهروزی، ۱۳۴۹: ۱۷۱)

۴-۶- ساخت مدرسه و زاویه در حرم مطهر

غیر از ساخت بارگاه و گنبد برای شاهچراغ تاشی خاتون بانو اقدامات خیر دیگری نیز بوده است. یکی ساخت مدرسه‌ای بزرگ و زاویه‌ای کنار حرم احمد بن موسی^(ع) است که عده‌ای از علما و زهاد و صوفیه را در آن بقعه و مدرسه به تبلیغ و تدریس واداشت و رونقی بدان آنجا داد. از بودجه‌ای که وقف بر آنجا بود از مسافرین و تهیدستان پذیرایی می‌شد (مهراز، ۱۳۴۸: ۴۲۵ و ۴۲۶) و در آن به مسافران و زائران اطعام داده می‌شد. (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۲۹) به گفته جنید تاشی خاتون در جنب آن مدرسه؛ مرقد خود را نیز بنا کرد. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) این مدرسه با عنوان مدرسه‌ی خاتونیه، به قولی در سال ۷۶۴ ه. ق (۱۳۴۳ م) ساخته شد. (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۷۷) و به قولی دیگر احداث مدرسه را در سال ۷۵۰ ذکر کرده‌اند (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵) موقعیت این مدرسه را ناحیه‌ی مسجد عتیق مجاور مزار احمد بن موسی تعیین کرده‌اند. (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۸۱) امروزه از مدرسه و بقعه‌ای که ملکه تاشی خاتون در بارگاه شاهچراغ بنا کرده است، اثری دیده نمی‌شود.

۴-۷- کتابخانه‌ی تاشی خاتون

از دیگر موقوفاتی که در برخی تذکره‌ها به تاشی خاتون نسبت داده شده کتابخانه‌ی است. نقل شده است که تاشی خاتون کتابخانه‌ای نیز تأسیس نمود و مجموعه‌ی نفیسی بدان اهداء کرد. (رجبی، ۱۳۷۴: ۵۱) به احتمال زیاد کتابخانه‌ی بقعه را که تاشی خاتون بنا نهاد، از گزند روزگار درامان نماند و در آغاز قرن دهم هجری بازسازی و دوباره دایر شد.

۴-۸- وقف قریه میمند

از مهمترین موقوفات تاشی خاتون وقف چند قریه و مزرعه از روستای میمند - که گلزارها و گلابش معروف است - برای حرم احمد بن موسی^(ع) بود.

در کتاب شیراز نوشته‌ی علی سامی آمده است که همین ملکه (تاشی خاتون) روستای میمند را که یکی از املاک بزرگ است وقف بر بقعه‌ی حضرت شاهچراغ نمود که هنوز هم علی‌الظاهر از موقوفات آن آستانه است، ولی متأسفانه از چهل پنجاه سال به این طرف از طرف اشخاص سودجو و متجاوز، تجاوزاتی به حریم این موقوفه شده و دعوی ملکیت مزارع آن‌ها را نموده‌اند و در دسر بزرگی برای متولی و اداره‌ی اوقاف فراهم ساخته‌اند و چند سال است که دیناری از عواید سرشار آن رقبه عاید تولیت نمی‌گردد. میمند نزدیک کوار و گلاب و عطر گل سرخش معروف است. (سامی، ۱۳۶۳: ۵۷۷ و ۵۷۸) به نظر می‌رسد اراضی میمند در ملک شخصی وی و خاندانش بوده است چنانکه خاندان اینجو به دلیل املاک خاصه‌ی خود بدین نام مشهور گشته بودند؛ (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۳۳۹)

۴-۹- وقف قرآن پیریحیی جمالی صوفی

از دیگر موقوفات تاشی خاتون که وقف آستان احمد بن موسی^(ع) نمود قرآن سی پاره به خط ثلث بسیار خوش موسوم به قرآن پیریحیی جمالی صوفی می‌باشد. او که از خوشنویسان به نام آن عصر بوده است^۱ به دستور تاشی خاتون و به مناسبت ساخت قسمت‌های جدید مقبره‌ی احمد بن موسی^(ع) کتابت این قرآن را در سال ۷۴۶ ه. ق به پایان رسانید. این سی جزء قرآن وقفی در موزه پارس شیراز نگهداری می‌شود. (سامی، ۱۳۶۳: ۵۷۷ و ۵۷۸) دستور تاشی خاتون بر کتابت چنین قرآنی از یک‌سو ارادت ویژه‌ی او را به شاه‌چراغ و از سوی دیگر حمایت وی از هنر و فرهنگ ایران‌زمین را در آن زمان نشان می‌دهد. این قرآن با خط بسیار زیبای ثلث با آب‌طلا نگاشته شده و دارای سبکی ویژه و متفاوت در مکتب شیراز در قرن هشتم محسوب می‌شود. (هوشیار، ۱۳۹۵: ۸) در میان موقوفات تاشی خاتون تنها چیزی که اکنون باقیست همین قرآن است.

۶- نتیجه‌گیری

وقف بر مکان‌های مقدس از جمله حرم مطهر شاه‌چراغ از دیرباز در طول تاریخ وجود داشته است. یکی از واقفان بنام که موقوفات زیادی را وقف این آستان کرده‌اند، تاشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق اینجو است. این بانو نقش بزرگی در پیشرفت مذهب تشیع در شیراز در آن زمان داشته است، به‌طوری‌که به دستور وی هر دوشنبه مراسمی مخصوص به همراه ختم قرآن در بارگاه شاه‌چراغ برگزار می‌گردید و برای سادات مقرری در نظر گرفته بود. موقوفات ایشان از ساخت گنبد و حرم بر مزار این امامزاده‌ی عظیم‌الشان، ساخت مدرسه و زاویه‌ای بزرگ تا ساخت کتابخانه‌ای در کنار حرم می‌توان نام برد. علاوه بر آن ایشان قریه‌ی میمند را وقف آستان شاه‌چراغ نموده و قرآنی به خط خوش پیریحیی جمالی صوفی را وقف کردند. این تنها گوشه‌ای از صدها موقوفه‌ای است که به این بارگاه اهدا شده است؛ این خود نشان از ارادت شیعیان و دوستداران اهل بیت بر این آستان پربرکت دارد.

منابع

۱. ابن بطوطه. (۱۳۴۸). سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. افسر، کرامت‌الله. (۱۳۵۳). تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران: انجمن آثار ملی.
۳. بهروزی، علی‌نقی. (۱۳۳۴). شهر شیراز یا خال رخ هفت‌کشور، شیراز: موسوی.
۴. - (۱۳۴۹). بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه‌ی شیراز از دوره‌ی هخامنشیان تا عصر

^۱ یحیی الصوفی الجمالی خوشنویس عالی مقام زمان شاه شیخ ابواسحق اینجو پادشاه فارس، نزد همین مبارک شاه زرین قلم و احمد رومی خط را یاد گرفته و شاگرد خوب این خوشنویس بوده است. سنگ نوشته‌های معرق سنگی دور خدا خانه مسجد جامع عتیق شیراز و سی جزء قرآن وقفی ملکه تاشی خاتون، مادر شیخ ابواسحق اینجو وقف بر بقعه شاه‌چراغ، خط همین خوش نویس بلند پایه می‌باشد.

- پهلوی، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
۵. خوب نظر، حسن. (۱۳۸۰). تاریخ شیراز از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم‌خان، تهران: سخن.
 ۶. جنید شیرازی، عیسی بن جنید. (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار، تصحیح دکتر نورانی وصال، شیراز: کتابخانه احمدی.
 ۷. رجبی، محمدحسن. (۱۳۷۴). مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی از آغاز تا مشروطه، تهران: سروش.
 ۸. زرکوب شیرازی. (۱۳۹۰). شیراز نامه، تصحیح و توضیح اکبر نحوی، شیراز: دانشنامه فارس.
 ۹. سامی، علی. (۱۳۶۳). شیراز، شیراز: انتشارات نوید گویی.
 ۱۰. لیمبرت، جان. (۱۳۸۶). شیراز در روزگار حافظ (شکوه‌مندی شهر ایرانی در قرون وسطی) ترجمه همایون صنعتی زاده، شیراز: موسسه فرهنگی و موسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۱۲. مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الإرشاد للمفید، تهران: اسلامیه.
 ۱۳. مهران، رحمت‌الله. (۱۳۴۸). بزرگان شیراز، تهران: مرد مبارز.
 ۱۴. هوشیار، مهران و میرزاخانلو، وحیده. (۱۳۹۵). ویژگی‌های ساختاری تهذیب قرآن تاشی خاتون، فصلنامه‌ی نگره، ۴۰، ۵-۱۶